

ادامه از صفحه اول

قتل ناموسی ناقتل نژادی؛ ایران تا آمریکا

نکوهش قربانی (blaming the victim) به این معناست که وقتی درد و رنجی به دیگران وارد می‌شود، فرد عامل برای کاهش عذاب وجدان، خود را قانع می‌کند که قربانی لایق چیزی بوده که بر سرش آمده! واقعیت این است که مشاهده درد و رنج دیگران مشکل است؛ مگر اینکه بتوان راهی برای نکوهش قربانی و انسانیت‌زدایی از او پیدا کرد! مکانیسم‌زیربنایی ناخودگاه به این شرح است که اگر به انسان خوبی، بدی کرده باشیم، آنکه مستحق سزانش است، ما هستیم؛ ولی اگر قربانی، فرد نالایقی باشد، آن‌وقت ما کار چندان بدی نکرده‌ایم! پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی از این پدیده حمایت کرده و به‌ویژه نشان داده است که هرچه فرد قربانی، انسان بی‌گناه‌تر و وارسته‌تری باشد، تلاش روانی برای نکوهش او بیشتر می‌شود تا به این وسیله بیشتر از بار عذاب وجدان کاسته شود؛ چراکه آسیب واردکردن به یک انسان شایسته، کاری بسیار غیراخلاقی است. مثلا در یکی از آزمایش‌های این حوزه، شرایطی ترتیب داده شد تا آزمودنی‌ها به فرد بی‌گانه‌ای آسیب روانی یا بدنی وارد کنند؛ درصورتی‌که آن شخص هیچ آزاری به آزمودنی وارد نکرده بود. در این شرایط، آزمودنی‌ها به تحقیر قربانی پرداختند تا خود را متقاعد کنند که او فرد خوبی نیست و بنابراین سزاوار چیزی است که بر سرش آمده؛ بیان این مقدمه گریزناپذیر بود تا به وسیله آن بتوان این دو نوع قتل غیرانسانی و به‌ویژه تداوم آن را تا قرن ۲۱ بهتر فهمید. کافی است اندکی مکث کنیم تا آنبوه انگ‌ها و صفت‌هایی به ذهنمان سرریز شود که برای آنکه خود را از آلودگی زانانی (و نه مردانی) به کار می‌رود که خواسته یا ناخواسته وارد روابط جنسی به‌جز ازدواج مرسوم می‌شوند. آیا این توصیف‌ها کارکردی جز نکوهش قربانی دارند؟ تلاشی برای بی‌گناه جلوه‌دادن عاملان خشونت که اکثریت قدرتمند را تشکیل می‌دهند (جهانی که در آن تعداد انسان‌های بد انگشت‌شمار باشد، قابل‌اعتناتر از جهانی است که تعداد بسیاری از انسان‌ها بد هستند). تلاش ذهنی ناخودگاه برای مطمئن‌کردن خود به اینکه در دنیایی عادل زندگی می‌کنیم و هر بلایی که سر کسی می‌آید، نتیجه عملکرد خود اوست. تلاش روانی ناخودگاه برای اینکه این ترس را از خود دور کند که ممکن است همین بلا سر ما بیاید (چون ما برتریم و بنابراین در یک دنیای عادل، چنین بلایی سر ما نمی‌آید). از این موارد افراطی صرف‌نظر کنیم؛ بر زندگی روزمره خود چقدر پدیده نکوهش قربانی را به کار می‌بریم؟ چقدر از واژه «حشش بود» استفاده می‌کنیم؟ درصورتی‌که اگر متضفانه بنگریم و لحظهای خودمان را جای طرف مقابل بگذاریم، ممکن است حشش نبوده باشد! بوق مدتی که برای چند ثانیه توقف بیشتر راننده جلویی زده می‌شود و صفت‌هایی که به او نسبت داده می‌شود (کودن، از پشت تراکتور آمده ماشین سوار شده! و…) این خشونت بوقی توجه شما را جلب می‌کند که بر سر کسی گذاشته می‌شود و به‌سادگی عبارت «حشش بود، می‌خواست این‌قدر سادلودح نباشد» به کار برده می‌شود!... اما ارتباط فرهنگ فخر با این دو قتل ناموسی و نژادی آشکار است؛ اساسا فرهنگ فخر به معنای فرهنگی است که در آن یک شخص (معمولا مرد) برای دفاع از شهرت خود، از طریق واکنش نشان‌دادن به توهین، هتک حرمت و تهدید، احساس اجبار می‌کند و در اغلب مواقع، واکنش او با خشونت همراه است. فخر را می‌توان هرگونه شهرت، احترام، رتبه یا اعتبار در نظر گرفت. قتل فردی که با آبرو و حیثیت خانوادگی بازی کرده است و فردی که (متأسفانه در باورهای قدیم و البته ریشه‌دار) از نظر نژادی پایین‌تر است، می‌تواند پاکی و برتری ما را اثبات کند؛ اینکه ما بیدی نیستیم که به این بادها بلزیمز و اینکه درس عبرتی باشد برای آیندگانی که قرار است با از آن گلیمشان فراتر بگذارند و به آنچه ما فقط از آن خود می‌دانیم، تعرض کنند. همان‌طور که ابتدای متن اشاره شد، قطعا اگر بررسی شود، عوامل بی‌شماری را می‌توان دو قتل دخیل است؛ از عوامل موقتی و گذرا گرفته تا عوامل ریشه‌دار و فرهنگی. هدف این نوشتار نادیده‌گرفتن دیگر عوامل نیست؛ فقط در قالب این سطور محدود، تلاش شد و مفهوم به هم ربطی را که می‌توانند با دیدگاهی این قتل‌ها مرتبط باشند، معرفی کرد. در پایان نیز از میان فهرست بی‌شمار عوامل پیشگیری‌کننده، باز به دلیل رعایت اختصار، تنها بر یک عامل تمرکز می‌شود؛ تقویت توان مهدلی. فرایند انسانیت‌زدایی (dehumanization) قربانی می‌تواند تا حد زیادی درد و رنجی را که بر اثر مشاهده درد و رنج دیگران در ما به وجود می‌آید، کمرنگ کند. آشغال‌نامیدن طرف مقابل، مثالی آشنا است. چرا در درگیری‌ها از این نوع واژه‌ها زیاد استفاده می‌شود؟ یک دلیل می‌تواند این باشد که ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه یک آشغال، بسیار آسان‌تر است. آشنایی با این فرایندهای روانی، ناخودگاه ممکن است در پله اول درد و رنج ما را زیاد کند؛ ولی تا این حد و رنج را تاب نیاوریم و به فرایندهای زیربنایی نگاه نشویم، نمی‌توانیم با معکوس آن، یعنی همدلی، مانوس شویم. پژوهش‌ها نشان داده است هرچه توانایی همدلی در کودکان بیشتر باشد، اعمال پرخاشگرانه در آنها کمتر است. اگر صرفا یاد بگیریم خودمان را به جای طرف مقابل بگذاریم، دنیا را از دریچه چشمان او نیز نگاه کنیم و متوجه باشیم او نیز مانند ما می‌تواند تمامی احساسات و ازجمله درد و رنج را تجربه کند و البته به دلیل انسان‌بودن خطا کند، پرخاشگری بسیار کاهش خواهد یافت. آموزش توان همدلی، مهارتی است که باید از سال‌های ابتدایی زندگی، از طریق خانواده، مهدکودک و دبستان در کودکان نهادینه شود.

بی‌نوش: در نوشتن این مطلب از کتاب **روان‌شناسی اجتماعی** (تألیف **الیوت ارونسون** و ترجمه **حسین شکرکن**) بهره گرفته شده است.

«**روان‌شناس و کارشناس مؤسسه رحمان**

شرق: بر اساس اسناد جدید یک پیام از ملکه الیزابت به شاه در کودتای سازمان سیا در سال۱۹۵۳ در ایران نقش داشته است. مورخان که پیام ملکه الیزابت را کشف کرده‌اند، معتقدند که سوءتفسیر آن به شاه کمک کرده تا در یک لحظه حساس از کشور فرار کند.

به گزارش «ان‌بی‌سی» پیام ملکه الیزابت کاملا به‌موقع بود و قصد داشت به یک پادشاه جوان ایرانی که با بحران مواجه بود، اطمینان خاطر بدهد اما خیلی زود مشخص شد که چنین پیامی از لندن نیامده است. آن پیام در واقع یک یادداشت دیپلماتیک درهم و آشفته بوده که منبش هم اشتباه بوده اما آمریکایی‌ها حتی پس از درک اشتباه خود و اینکه سوء برداشت کرده‌اند، از این یادداشت برای اهداف خود استفاده کردند.

بر اساس مستند «ملکه و کودتا» که این ماه در انگلیس منتشر شد و با استناد به اسناد تازه کشف‌شده ایالات متحده، ممکن است خطاهایی که به شوخی شبیه است در کودتای سیا-انگلیس در سال۱۹۵۳ که سرنگونی دولت مومکرانتی ایران را به دنبال داشت، نقش اساسی داشته باشد. کودتایی که در سال۱۹۵۳ شاه ایران محمدرضا پهلوی را به قدرت بازگرداند و باعث ایجاد بی‌اعتمادی بین ایالات متحده و ایرانیان از آن زمان شد، الهام‌بخش بسیاری از کتاب‌ها، مستندا و تحقیقات دانشگاهی است. اما تقریبا هفت دهه بعد، مورخان انگلیسی اسناد وزارت امور خارجه را در بایگانی‌های ملی ایالات متحده کشف کرده‌اند که نشان از پیچیدگی جدید کودتا دارد.

سند اصلی مربوط به فوریه سال۱۹۵۳ است، یعنی پنج‌ماه قبل از اینکه جاسوسان انگلیس و ایالات متحده به سرنگونی دولت پارلمانی به رهبری نخست‌وزیر محمد مصدق کمک کنند. در آن زمان، شاه ایران ثبات نداشت و در بحبوحه مشکلات غوطه‌ور بود. او به فکر فرار از ایران بود. این اندیشه شاه نقشه مشترک آمریکا و انگلیس را قبل از اینکه شروع شود، با شکست روبه‌رو می‌کرد. طبق این مستند که توسط بریو نیو مدیا (New Media) برای کانال چهار انگلیس تهیه شده است، تاکنون این سند هرگز مورد توجه عموم قرار نگرفته است، حتی اگر به همراه سایر اسناد در بایگانی ایالات متحده آمریکا رمزشایی شده باشد. در تاریخ ۲۷ فوریه، وزیر امور خارجه آمریکا، جان فاستر دلس یک پیام فوق سری را از سفارت آمریکا در لندن دریافت کرد که حاوی پیام اتونوی ادن، وزیر خارجه انگلیس بود که می‌گفت: «دقتر امور خارجه، ظهر امروز ما را از دریافت پیام ادن از ملکه الیزابت آگاه کرد. در این پیام درباره آخرین وضعیت شاه ابراز نگرانی شدید شده و ملکه شدیدا امیدوار است که ما می‌توانیم شرایطی را مهیا کنیم که شاه را از فرار از کشور دلستر کنیم.» ظاهرا ملکه الیزابت در این پیام تلاش کرده که

پادشاه دیگری که دوستش هم است، ثابت‌قدم باقی بماند. روری کورماک، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه تاتینکهام، یکی از دو محققی است که اسناد را کشف کرده است. او گفت: «واشنگتن پیام بریتانیا را به عنوان کارت برنده‌ای به منظور متقاعدکردن شاه برای ماندن در کشور در نظر گرفته است.» کورماک به ان‌بی‌سی‌نیوز گفت: «برای آمریکایی‌ها، این‌عالی است. این مهم است که واشنگتن می‌تواند از کسی استفاده کند که شاه واقعا به او احترام می‌گذارد. ملکه، رهبر خانواده‌های سلطنتی جهان».

بنا بر این مستند، لوی هندرسون، سفیر آمریکا در تهران فوراً درخواست ملاقات با شاه جهت تحویل پیام از انگلیس را داد. یکی از دستیاران کاخ به سفیر گفت که شاه نمی‌تواند حضوری با او ملاقات کند، زیرا منتظر نخست‌وزیر مصدق است تا برای خداحافظی با او پیشش بیاید. هندرسون که در مورد امنیت تماس تلفنی نگرانی داشت، سعی کرد پیام خود را از طریق فردی که در کاخ سفید صاحب مقام بود و با لحنی محتاطانه به شاه منتقل کند. ریچارد آلدریج، استاد سیاست و مطالعات بین‌الملل در دانشگاه وارویک، محقق دیگری که اسناد را کشف کرده، گفت: «اگرچه راهی برای دانستن اینکه برداشت شاه از این پیام چه بوده، وجود ندارد، اما نتیجه این بود که شاه به سرعت برنامه‌های خود را برای پرواز از تهران کنار گذاشت.» آلدریج گفت: «شاه برنامه‌هایش را تغییر می‌دهد. آنچه ما به عنوان مورخان واقعا دوست داریم، انجام دهیم این است که بتوانیم یک آزمایشگاه راه‌اندازی کنیم و مجددا وقایع را تغییر دهیم و یک چیز خاص را تغییر دهیم، اما شما نمی‌توانید این کار را بکنید. به هر حال، ازبایانی این است که اگر شاه فرار می‌کرد، احتمال اینکه این به‌طور غیرعمد فریب خورده است. او متقاعد شد کودتا اتفاق بیفتد، بسیار کمتر بود.» اما در لندن،

سیاست

براساس اسناد تازه منتشرشده

نقش ملکه الیزابت در کودتای ۲۸ مرداد چه بود؟



سفارت آمریکا خیلی زود متوجه شد پیامی که از طرف مقامات بریتانیا منتقل شده بود، به‌راحتی می‌تواند اشتباه برداشت شود. طبق یادداشت دوم که در این مستند بازگو شده است، سفارتخانه با استناد به تلگراف قبلی خود می‌گوید که ملکه الیزابت به کشتی اشاره دارد و نه به سلطنت. مهم اینکه، سفارتخانه بر این گفته خود تأکید هم می‌کند. نکته دیگر اینکه، وزیر امور خارجه انگلیس پیام خود را درحالی‌که با کشتی «آر ام اس» ملکه الیزابت برای شرکت در جلسات به کانادا می‌رفت، ارسال کرده بود. از ملکه هیچ پیامی برای شاه وجود نداشت و هیچ دیپلماسی سلطنتی فوق‌سری در بازی نبود. این فقط یک اشتباه بزرگ ناشی از یک یادداشتی بود که به طرز گیج‌کننده‌ای نوشته شده بود. کورماک گفت: «این یک ضعف برنامه‌نویسی است و من به هیچ وجه آمریکایی‌ها را به خاطر سوء تفسیر سرزنش نمی‌کنم». سفارت لندن در تلگرام خود به واشگتن نوشت: «عمیقا از عدم وضوح در پیام اسرالی ابراز پشیمانی می‌کنیم. این گفته دیگر هرگز تکرار نشد. تا امروز که ما دوباره این پیام را خواندیم و فهمیدیم که این پیام مستعد سوء‌برداشت بوده است.»

مقامات آمریکا تصمیم گرفتند که به همتایان بریتانیایی خود در مورد این درهم‌ریختگی چیزی نگویند. کورماک گفت دولت انگلیس از شنیدن اینکه «اگر ما به عنوان ابرازری در یک عملیات مخفی تغییر رژیم استفاده شده است، احتمالا خشمگین می‌شد. در مورد شاه نیز آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند که این اشتباه را اصلاح نکنند و به او هم چیزی نگویند. آلدریج گفت: «تنها نمی‌خواهند شاه متوجه شود که او در کردارهای خود اشتباه کرده است، یا حتی به‌طور غیرعمد فریب خورده است. او متقاعد شد

که ریسک کند و همه اینها تا حدی بر اساس یک فرضیه دروغین استوار بود. شاه ایران معتقد است که از یک کشور سلطنتی دیگری پیام دریافت کرده است. درحالی‌که او در حقیقت، پیامی از یک قایق دریافت کرده بود».

کودتای سرنگونی مصدق در آگوست همان سال آغاز شد. پس از آنکه دولت مصدق سفارت انگلیس در تهران را در سال ۱۹۵۲ تعطیل و گمان کرد که این یک مرکز جاسوسی است. سیا با استفاده از مأموران و برنامه‌های انگلیسی رهبری عملیات کودتا را بر عهده گرفت. دولت رئیس‌جمهور هری ترومن در برابر ایده براندازی مصدق مقاومت کرده بود اما پس از روی کارآمدن دوایت آیزنهاور در ژانویه سال۱۹۵۳، تیمی جنجالی‌تر که نگران قدرت‌گرفتن اتحاد جماهیر شوروی در ایران بود، از رویکرد انگلیس حمایت کرد».

این کودتا در درجه اول با تکیه به افسران نظامی ایران، رشوه‌دادن و سوءاستفاده از مخالفت‌های موجود با مصدق توسط سیا با نام عملیات آژاکس انجام شد. در ابتدا کودتا با مشکل روبه‌رو شد و اردگاه مصدق برخی چیزها را فهمید اما افسران سیا که دست‌اندرکار این کودتا بودند به سرپرستی کریمت روزولت جونیور، نوه رئیس‌جمهور پیشین تئودور روزولت، تلاش دوم را انجام دادند که موفق شد.

در ۱۹ آگوست، شاه مصدق را از نخست‌وزیری برکنار و یک دولت نظامی را متصدی امور کرد. در سال ۲۰۱۳، سیا به طور علنی برای اولین بار به دست‌داشتن خود در کودتای ۱۹۵۳ اذعان کرد؛ رویدادی که همچنان در شکل‌دهی آشفتنگی روابط ایران و ایالات متحده نقش دارد که خود شاه هم در انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ به‌دنبال اعتراضات گسترده، سرگون شد.

آلدریچ و کورماک گفتند افشاجاری در مورد یادداشت‌های دیپلماتیک سال ۱۹۵۳ این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا ملکه انگلیس تاکنون می‌دانسته که وی نقش ناخواسته‌ای در وقایع ایران دارد یا اینکه آیا مقامات انگلیس همیشه به دنبال کناره‌گیری سلطنت انگلیس از سایر مکانیسم‌های ژئوپلیتیکی بوده‌اند؟ مورخان می‌گویند: «دستیابی به اسناد تاریخی مربوط به خاندان سلطنتی بسیار دشوار و غالبا غیرممکن است. حتی برای نوشتن مقالات مربوط به قرون ۱۹ و ۲۰ هم با این مشکل مواجه هستیم». کورماک گفت: «مخفی‌ترین نهاد در انگلستان، با قدمت طولانی، خانواده سلطنتی است. بنا بر این مستند، پس از کودتا در سال ۱۹۵۳، سفیر آمریکا در تهران به نخست‌وزیر انگلیس، وینستون چرچیل یا ملکه در لندن پیشنهاد کرد که نوعی پیام تبریک به شاه بدهند.» وزارت خارجه انگلیس پاسخ داد: «فکر نمی‌کنم که پاسخی از سوی ملکه الیزابت در این زمینه خطاب به شاه ارسال شود!».

مورادی که من در آن زمان به‌شدت از آن دفاع می‌کردم، جلویگیری از تغییر رنگ لباس شهربانی بود. می‌خواستند رنگ لباس مستخدمان بهشت زهرا را جایگزین رنگ سرمه‌ای که لباس افسران پلیس در تمام کشورها بود، کنند. دراین‌باره بنده در هیئت دولت با تیمسار مصطفائی، معاون شهربانی آن زمان، شرکت کریدیم و نظرات خود را گفتم».

اما چرا ادغام رخ داد. رضا سیفاللهی این روزها در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته است که در اواخر جنگ تداخل فعالیت سازمان‌های نظامی و انتظامی موازی زیاد شده بود و دولت وقت به دنبال راه‌هایی بود که بتواند هزینه‌های موازی را کم کند و با ادغام دستگاه‌های موازی هزینه‌ها را کاهش دهند. از سویی در چارچوب نظری و عملی امنیت بعد از پیروزی انقلاب با فرهنگ سازمانی ژاندارمری و شهربانی زمان رژیم سابق سنخیت نداشت، رده بالای این نیروها که نظام به آنها هیچ‌گونه اعتمادی نداشت، رده امرای این سازمان‌ها بودند؛ اما بدنه نیروهای انتظامی قدیمی قابل اتکا و اصلاح بود.

بخشی از ماموریت‌ها با انجام اصلاحات به آنها واگذار شد؛ اما یک سلسله از ماموریت‌های انتظامی و خاصی وجود داشت که ناشی از اصل انقلاب بود و آنها از انجام آن عاجز بودند که براساس این ضرورت تشکیل سازمانی جدید احساس می‌شد، البته کميته انقلاب اسلامی هم یک طرف قضیه بود.

نکته‌تامل‌برانگیز این است که برای این ادغام از هیچ الگویی خاصی تبعیت نشده بود. سیفاللهی گفته که اگر در دنیا تجربه ادغام وجود داشت، ما می‌رفتیم و از تجارب آن استفاده می‌کردیم؛ ولی مسئله این بود که هیچ جایی در دنیا چنین تجربه‌ای نداشت و موضوع ادغام طرح منحصر به ایران بود. وقتی رئیس پلیس انتزیریل به ایران آمد، ما ویژگی‌های ادغام را برای او گفتیم، بسیار تعجب کرد....



الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پایک:۰۰۰۴۶۹۹

● **جابه‌جایی صندلی!** برخی مسئولان با نمایندگان مجلس به‌جای برکناری و استراحت، شغل‌های جدید می‌گیرند و به‌اصطلاح با جابه‌جایی صندلی پست‌های جدید می‌گیرند. چرا به‌جای اینکه به فکر ایجاد اشتغال برای جوانان تحصیل‌کرده و بی‌کار باشند، به فکر شغل‌های بهتر برای خودشان هستند؟

علی از تهران
● **کلایه از شرکت پست:** چرا روابط‌عمومی شرکت پست به پیام‌هایی که در مطبوعات چاپ می‌شود پاسخ‌گو نیست؟

مهدیس از مشهد
● **کلایه کاسب‌ها از بانک‌ها:** در گفت‌وگو با برخی کاسب‌ها، آنها از اینکه مشتریان با کارت‌های بانکی خرید می‌کنند، اما وجه خریدشان با تأخیر از سوی بانک‌ها به حسابشان واریز می‌شود، از بانک‌ها انتقاد دارند و خواهان رسیدگی به این موضوع هستند.

سیدمهدی دیبایی
● در اصفهان، خیابان برازنده و بلوار ایمان و خیابان‌های همجوار آتن‌دهی تلفن همراه و اینترنت بسیارسیار ضعیف است. منطقه ۱۴ شهرداری لطفا همتی کند.

یک مخاطب
● **مشکل استفاده از کارت بانک سامان:** چرا پرداخت وجوه قبوض مصرفی با کارت بانک سامان امکان‌پذیر نیست؟ می‌نویسد محتوا مسدود است!

حسین جلیلیان

خبر

روحانی نزدیک به مشایی:

احمدی‌نژاد هنوز تصمیمش را قطعی نگرفته است

● **ایلنا:** بهمن شریف‌زاده، روحانی نزدیک به تیم احمدی‌نژاد، درخصوص برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی‌بر حضور احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گفت: ظاهرا برخی آقایان با این ادعاهایی که مطرح می‌شود، بیشتر از خود آقای احمدی‌نژاد از مقاصد ایشان باخبر هستند؛ چراکه هنوز آقای احمدی‌نژاد چنین قصد و تصمیمی ندارد، اما دیگران از حضور قطعی ایشان صحبت می‌کنند.

وی همچنین درخصوص مطرح‌شدن احتمال عدم تأیید صلاحیت یا رأی‌نیاوردن وی در صورت تأیید صلاحیت، اظهار کرد: این نوع اظهارنظرها نشان‌دهنده میزان اعتبار و ارزش ادعاهای این افراد است. آقای احمدی‌نژاد چنین تصمیمی ندارد، اما دیگران از حضور قطعی ایشان صحبت می‌کنند و حتی افزون‌بر اینکه حضور ایشان را قطعی دانسته‌اند، نتیجه را هم اعلام کرده‌اند. ظاهرا برخی آقایان فکر می‌کنند صاحب تحلیل سیاسی عمیقی هستند که این‌گونه مطالب را عنوان و تحلیل می‌کنند.

شریف‌زاده ادامه داد: من نمی‌گویم آقای احمدی‌نژاد تصمیم بر نیامدن دارد، بلکه می‌گویم ایشان تا این لحظه هیچ تصمیمی برای این عرصه ندارد.

وی افزود: مشکلات اقتصادی قابل‌توجهی در کشور وجود دارد تا حدی که می‌توان گفت تحولات سال جاری هم قابل پیش‌بینی نیست چه رسد به سال آینده و این بحران‌ها به فرد زیرک و سیاست‌مداری مثل آقای احمدی‌نژاد اجازه تصمیم‌گیری برای سال آینده را نمی‌دهد.

وی خاطرنشان کرد: نکته این است که فکر نکند مبانی فکری اینها با احمدی‌نژاد مساوی است، بلکه خیلی از وزرای ایشان مثل ایشان فکر نمی‌کنند. بخواهم دقیق‌تر بگویم، تفکر بهار ندارند، تفکر بهار، تفکر آقای احمدی‌نژاد و مشایی است و خیلی‌ها در دولت موفق این تفکر بودند و آقای مشایی را با موضوع انحراف طرد کردند. بسیاری از آنها اولگرا بودند که مدتی هم با آقای احمدی‌نژاد همکاری کردند، البته عموم آنها علاقه‌مند به موضوع عدالت بودند، ولی من آقای قالیباف را در خط عدالت‌خواهی نمی‌دانم.

ابلاغ آیین‌نامه اجرائی پرداخت تسهیلات مسکن به بازنشستگان

● **ایلنا:** معاون اول رئیس‌جمهور آیین‌نامه اجرائی موضوع پرداخت تسهیلات مسکن به بازنشستگان را برای اجرا به دستگاه‌های ذریب‌بلاغ کرد. هیئت وزیران در جلسه ۱۱ خرداد ۱۳۹۹ به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور، آیین‌نامه اجرائی‌بند (ز) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۹ که کشور، موضوع پرداخت تسهیلات مسکن به بازنشستگان را تصویب کرد. بر این اساس، به منظور تسهیل در تأمین مسکن بازنشستگان صندوق‌های کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی از محل منابع حاصل از بازپرداخت اقساط مسکن مهر ۴۰ هزار فقره تسهیلات خرید با ساخت مسکن با رعایت الگوی مصرف مسکن پرداخت می‌شود.